اخبار

محسن رضایی:

## آمریکا در آینده منطقه جایگاهی نخواهد داشت

دبیر شورای عالی امنیت ملی در دیدار رئیس شورای عالـی قضایی عراق اظهار کرد: آمریکا در آینده منطقه جایگاهی نخواهد داشت.

به گزارش تسـنیم، سردار سرلشکر محسن رضایی دیروز در دیدار فائق زیدان، رئیس شورای عالی قضایی عراق افزود: جمهوری اسـلامی ایـران خواهان عراقی مستقل و قوی است.

وی در این دیدار تأکید کرد: کشورهای منطقه خود درباره آینده خویش تصمیم‌گیری خواهند کرد و آمریکا در آینده منطقه جایگاهی نخواهد داشت.

دبیر شورای عالی امنیت ملی تصریح کرد: وضعیت گروهک‌های ضدایرانی مستقر در مرزهای ۲ کشور باید تعیین تکلیف شود.

در ایـن دیدار زیدان با ابـراز اینکه «از حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران قدردانی می‌کنیم» گفت: سلام مقامات عراقی را به محضر رهبر انقلاب اسـلامی ابلاغ می‌کنم و یاد و خاطر شـهیدان حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس را گرامی می‌دارم.

وی افـزود: بر همکاری‌های منطقه‌ای و لزوم تأمین امنیت در مرزهای مشترک ۲ کشور تأکید می‌کنم.

## هشدار ابن‌الرضا به متحدان ترامپ در جنگ اقتصادی

سرپرسـت وزارت دفـاع بیان کرد: هر فشـاری که معیشت و امنیت مردم را هدف بگیرد، بخشی از جنگ اسـت. به گزارش تسنیم، سردار سیدمجید ابن‌الرضا با انتشار پیامی در شـبکه اجتماعی ایکس نوشت: برای ایران، اقتصاد، آسایش و رفاه مردم توأم با امنیت، بخشی از میدان دفاع است؛ هر فشاری معیشت و امنیت مردم را هدف بگیرد، بخشی از جنگ است. کسانی که میدان فشار را گسترش می‌دهند، بدانند ما هم برای دفاع از مردم، میدان را در چارچوب منافع ملی گسترش خواهیم داد.

بقائی:

## صیانت از عزت ملی مستلزم اراده‌ای مستحکم برای مقاومت است

سـخنگوی وزارت امور خارجه با یادآوری سـالروز اشغال ایران توسـط متفقین نوشت: ایران بر بحران‌ها فائق آمده اسـت. به گزارش تسـنیم، اسماعیل بقائی در سـالروز اشغال ایران توسط متفقین در سال ۱۳۲۰ در ایکس نوشـت: امروز، ۳ شهریور، هشتاد و پنجمین سالروز هجوم طرف‌های درگیر در یک جنگ ویرانگر به ایران اسـت. بامداد سوم شهریور ۱۳۲۰، یعنی تنها ۸۵ سال قبل، میهن ما برای دومین‌بار در عرض کمتر از ۳ دهه، با بی‌رحمی تمام از سوی قوای نظامی کشورهای درگیر در جنگ جهانی اشـغال شد. وی افزود: علیرغم اعلام بی‌طرفی رسمی حکومت شاهنشاهی که بعدها (در جریـان یک سـخنرانی در روز ۱۴ آبـان ۱۳۵۳) محمدرضا پهلوی هم با شرمساری آن را توهم «قفس طلایی بی‌طرفی» در «جهانی با منطق زور» نامید، در آن واقعه، شوروی از شمال و شرق و انگلیس از جنوب و غـرب، از زمین و هوا به ایران حمله‌ور شـدند؛ ارتش بی‌انگیزه شاهنشاهی ایران در مدت چند روز متلاشی شد، شهرهای مهم به تصرف درآمدند، همه ایران اشغال شد و شاه مملکت تنها ۲۲ روز بعد از تهاجم نیروهای بیگانه، بدون مقاومت از سلطنت کناره‌گیری کرد و به شیوه‌ای تحقیرآمیز به یکی از مستعمرات دورافتاده انگلیس در اقیانوس هند تبعید شد. بقائی ادامه داد: آن تجربه تلخ و جانکاه هیچ‌گاه از ضمیر ایرانیان فراموش نمی‌شود. در هر ۲ جنگ جهانی که اروپا بر دنیا تحمیل کرد، سخت‌تر از ویرانی کشور، از دست رفتن جان‌های بی‌شمار و غارت دارایی‌های ایرانیان، اهانتی بود که به حیثیت ملت شریف و نجیبی وارد آمد که در آن آتش‌افروزی‌ها هیچ نقشی نداشت. سخنگوی وزارت امور خارجه خاطرنشان کرد: ایران مقتدر که با سربلندی بر بحران‌های سهمگین فائق آمده است، امروز در برابر آزمون سرنوشت‌ساز دیگری قرار گرفته است. ما به تجربه آموخته‌ایم صیانت از عزت ملی و استقلال ایران، مستلزم خودباوری و اراده‌ای مستحکم برای مقاومت است و اقتدار ملی با همه مؤلفه‌هایش تنها عامل بازدارنده و مؤثر در برابر زیاده‌خواهی و تجاوزگری بیگانه است.

گوترش:

## جنگ علیه ایران محدودیت قدرت ابرقدرت‌ها را نشان داد

دبیرکل سـازمان ملل متحد با اشاره به جنگ علیه ایران گفت: ابرقدرت‌ها باید محدودیت‌های قدرت خود را بپذیرند. به گزارش تسنیم، آنتونیو گوترش در آستانه پایان دوره ۱۰ ساله دبیرکلی خود در سازمان ملل در مصاحبه با روزنامه فایننشال تایمز انگلیس افزود: جنگ‌های اخیر، از جمله جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران و جنگ روسیه با اوکراین، محدودیت قدرت ابرقدرت‌ها برای تحمیل اراده خود به دیگر کشورها را آشکار کرد. گوترش با اشاره به جنگ ضد ایران ادامه داد: آمریکا امیدوار بود تهران پس از حمله در فوریه تسلیم شود اما ۶ ماه بعد، ایران همچنان مقاومت می‌کند و تنگه هرمز را بسته نگه داشته است. او این تحولات را نشانه‌ای از تغییر موازنه قدرت جهانی و حرکت جهان از نظم تحت رهبری آمریکا به سوی نظمی چندقطبی دانست. او تأکید کرد: ابرقدرت‌ها باید بپذیرند شرایط تغییر کرده و وزن و نقش کشورهای مختلف در جهان دیگر مانند گذشته نیست. به گفته گوترش، اگر نهادهای بین‌المللی متناسب با این تغییرات اصلاح نشوند، افزایش چندقطبی‌گرایی می‌تواند به رقابت بیشتر و در نهایت رویارویی میان قدرت‌ها منجر شود.

ایران درباره بازگشت به تفاهمنامه خاتمه جنگ با آمریکا به پاکستانی‌ها چه گفت؛ تنگه هرمز با ترتیبات ایرانی باز می‌شود

# به شرط مدیریت ایران

**گروه سیاسـی:** ۶ ماه پس از آغاز جنگ علیه ایران، یک واقعیت بیش از هر زمان دیگری خود را نشـان می‌دهد: آمریکا پس از ناکامی در تحقق اهدافی که ابتدای جنگ برای خود ترسـیم کرده بود، پس از شکسـت در اهداف بعد که برای فرار از شکست بابت ناکامی در اهداف اولیه پیش کشـیده بود و پس از مجموعه‌ای از تلاش‌ها برای تغییـر موازنه در منطقه و گرفتن ابتکار عمل از ایران در تنگه هرمز و بازگشـایی این تنگه راهبردی، بار دیگر به همان نقطه‌ای بازگشـت که سال‌هاست سیاست خود در قبال جمهوری اسـلامی را بر آن بنا کرده است: تحریم و فشار اقتصادی.

این بازگشـت از آن جهت قابل توجه است که تحریم در شـرایط عادی شاید یکی از ابزارهای فشار یک دولت علیه کشور رقیب تلقی شود اما در شرایط فعلی، واشنگتن پیش از رسیدن به این مرحله، گزینه نظامی را به شکلی تمام‌عیار آزمـود. جنگ ۴۰ روزه علیه ایران، تلاش برای نابـودی توان دفاعی و نظامی کشـور و پس از آن اقدام بـرای محاصره دریایی ایران و تغییر وضعیت تنگه هرمز، مجموعه‌ای از اقداماتی بود که نشان می‌داد آمریکا صرفا به دنبال اعمال فشـار سیاسی یا اقتصادی نیست و قصد دارد با استفاده از مجموعه‌ای از ابزارهای سخت، ایران را وادار به تسلیم کند.

اکنـون اما پس از آنکه این مسـیر به نتیجه مطلوب واشـنگتن نرسـیده، تحریم دوباره به عنـوان ابزار اصلی روی میز قرار گرفته اسـت؛ گویی آمریکا پس از یک دور طولانی آزمودن گزینه‌های مختلف، دوباره به همان خانه اول برگشته است.

در همین چارچوب، اسـکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا شامگاه دوشنبه از آغاز آنچه «عملیات روز پیروزی اقتصادی» علیه ایران خواند و اعمال تحریم‌های بسـیار گسـترده علیه ایران و شـرکای تهران خبـر داد. ادبیات استفاده شـده از سوی بسنت نشان داد واشنگتن تلاش دارد این اقدام را فراتر از تحریم‌های معمول معرفی و از آن به عنوان یک فشار اقتصادی گسترده و بی سابقه یاد کند.

به عبارت دقیق‌تر، آمریکا تلاش دارد با گسترش دامنه فشار، نه فقط اقتصاد ایران، بلکه محیط اقتصادی پیرامون ایران را نیز تحت تأثیر قرار دهد تا هزینه همکاری با تهران افزایش یابد! اما مسـاله اصلی آن اسـت که آیا چیزی را که جنگ و فشارهای نظامی نتوانست محقق کند، فشار اقتصادی می‌تواند محقق کند؟! نشانه‌های موجود چنین احتمالی را بسیار کمرنگ نشان می‌دهد.

■ **وقتی جنگ به نتیجه نرسید، تحریم قرار است چه کند؟**

پیش از هر چیز باید به این نکته توجه داشت که واشنگتن در شرایطی دوباره سراغ تحریم و فشار اقتصادی رفته که پیش از آن یک جنگ تمام‌عیار علیه ایران به راه انداخت اما پس از ۴۰ روز نه‌تنها اهداف اعلامی خود را نتوانست محقق کند، بلکـه آمریکا را در موقعیتی قرار داد که اکنون برای ادامه فشار، دوباره به ابزارهای اقتصادی متوسل شده است.

این مساله از منظر راهبردی اهمیت زیادی دارد. تحریم زمانـی می‌تواند بـه عنوان یک ابزار مؤثـر برای تحمیل اراده عمل کنـد که طرف مقابل هنوز با بخش مهمی از ظرفیت‌های فشار مواجه نشده باشد اما ایران طی دهه‌ها نه‌تنها با تحریم‌های اقتصادی مواجه بوده، بلکه در مقاطع مختلف تحت شدیدترین انواع فشارهای مالی، بانکی، نفتی و تجاری قرار گرفته است. در این میان، تجربه جنگ اخیر نیز به این مجموعه اضافه شد.

بنابراین واشـنگتن اکنون در حال اعمال تحریم علیه کشـوری است که سال‌هاسـت تحت تحریم قرار دارد و سـاختار اقتصادی، سیاسی و امنیتی آن تا حد زیادی با فرض اسـتمرار فشـار خارجی شکل گرفته است. همین مساله، ادعای اثرگذاری یکباره و تعیین‌کننده تحریم‌های جدید را با تردید جدی مواجه می‌کند.

در واقع، سخن گفتن آمریکایی‌ها از «تحریم‌های جدید و مؤثر» علیه ایران در حالی اسـت که جمهوری اسلامی ایران طی ۴۷ سال گذشته همواره با تحریم‌های ظالمانه آمریکا و غرب مواجه بوده اسـت. ایران اساسـا کشوری نیست که تحریم برای نخستین‌بار علیه آن به کار گرفته شده باشد، برعکس، یکی از طولانی‌ترین تجربه‌های فشار اقتصادی خارجی تاریخ را پشت سر گذاشته است.

از سوی دیگر، دونالد ترامپ در دوره قبل ریاست‌جمهوری خود نیز پروژه «فشـار حداکثری» را علیه ایران امتحان کـرد؛ پروژه‌ای که بنا بود با وارد کردن فشـار بی‌سـابقه اقتصادی، تهران را به پذیرش توافقی مطابق خواسته‌های واشـنگتن وادارد امـا آن پروژه نیـز در نهایت به نتیجه مطلوب آمریکا نرسید.

اکنون همان سیاسـت با ادبیاتی جدید و عنوان‌هایی همچون «کمرشکن‌ترین عملیات اقتصادی تاریخ» در حال بازتولید اسـت؛ با این تفاوت که این بار، این فشار پس از تجربه یک جنگ گسترده اعمال می‌شود.

■ **پاسخ ایران: این بار فقط دفاع نمی‌کنیم**

مواضـع مقامات ایران درباره تحریم‌های جدید آمریکا نشان می‌دهد تهران این اقدام را صرفا یک فشار اقتصادی معمولی ارزیابی نمی‌کند، بلکه آن را بخشی از همان جنگی می‌داند که میدان‌های مختلفی دارد.

دبیر شـورای عالی امنیت ملـی در دیدار عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، ضمن اشاره به بی‌اعتمادی ایران بـه آمریکا، بر مدیریت امنیتی ایران بر تنگه هرمز تأکید کرد و گفت: آمریکا باید رفتار خود را تغییر دهد و اقدامات عملی درباره اجرای شروط تفاهمنامه اسلام‌آباد انجام دهد. سردار سرلشکر محسن رضایی همچنین در دیدار رئیس شـورای عالی قضایی عراق تصریح کرد آمریکا در آینده منطقه جایگاهی نخواهد داشت و کشورهای منطقه درباره آینده خود تصمیم‌گیری خواهند کرد.

در همین راسـتا، رئیس مجلس شـورای اسلامی، در واکنـش به تهدیدهـای آمریکا تأکید کـرد آمریکایی‌ها می‌داننـد کسـی گنده‌لافی‌هـای آنها را بـاور نمی‌کند. محمدباقر قالیباف همچنین با اشاره به شرایط اقتصادی آمریکا گفت: واشنگتن از نظر اقتصادی در وضعیتی نیست کـه بخواهد روابط خود با دیگر کشـورها را محدودتر از این کند.

در همین حال، سرپرسـت وزارت دفاع و پشـتیبانی نیروهای مسـلح در پیامی تصریح کرد اقتصاد، آسایش و رفاه مردم در کنار امنیت، بخشی از «میدان دفاع» ایران است. سردار سیدمجید ابن الرضا تأکید کرد: هر فشاری که معیشت و امنیت مردم را هدف قرار دهد، بخشی از جنگ است و کسانی که میدان فشار را گسترش می‌دهند باید بدانند ایران نیز برای دفاع از مردم، میدان را در چارچوب منافع ملی گسترش خواهد داد.

وزیر امور اقتصـادی و دارایی نیز تأکید کرد: دولت از مدت‌ها قبل برای مقابله با تحریم‌های آمریکا برنامه‌ریزی کـرده و برای تحریم‌های جدید آماده اسـت. سـیدعلی مدنی‌زاده با بیان اینکه تحریم‌ها برای ایران جدید نیست که بتواند شریان‌های اقتصادی کشور را قطع کند، تصریح کرد: دشمنان به دنبال یک «حمله تروریستی اقتصادی» هسـتند و ایـران نیز ابزارهای خـود را دارد و قواعد این بازی را می‌داند.

وزیر امور خارجه هم تهدید به آغاز «عملیات اقتصادی» علیه ایران را تلاشی برای انحراف افکار عمومی آمریکا از بحران‌های مالی داخلی دانسـت و تأکیـد کرد: اصرار بر سیاست‌های شکست‌خورده تنها شکست‌های بیشتری به دنبال خواهد داشت و دشمنی ایرانیان را افزایش می‌دهد.

سـیدعباس عراقچـی همچنیـن با یـادآوری تجربه تحریم‌هـای گذشـته، از «فلج‌کننده‌تریـن تحریم‌های تاریخ»، «فشـار حداکثری» و «تسلیم بی‌قیدوشرط» به عنـوان سیاسـت‌هایی یاد کرد که شکسـت خورده‌اند و افزود: ادعای «کمرشـکن‌ترین عملیات اقتصادی تاریخ» نیز محکوم به شکست است. وی تأکید کرد: اینکه آمریکا از عملیات نظامی به طرح‌های اقتصادی قبل بازگشـته، نشانه استیصال است و آمریکا باید بداند راهی جز صحبت محترمانه با مردم ایران ندارد.

کاظـم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه نیز با اشاره به ادعاهای آمریکا درباره نابودی توان نظامی و برنامه هسـته‌ای ایران، یک پرسش روشن مطرح کرد: اگر آنطور که مقام آمریکایی مدعی است توان نظامی ایران برچیده و برنامه هسته‌ای آن دفن شده، چرا برای همیـن ایران به «بزرگ‌ترین تهاجم مالی تاریخ» و بسیج تمام نهادها و اختیارات آمریکا نیاز است؟!

■ **تحریم جدید؛ فشار اقتصادی یا عملیات روانی؟**

برآیند این شرایط نشـان می‌دهد اقدام جدید آمریکا بیش از آنکه صرفا با هدف فلج کردن اقتصاد ایران طراحی شده باشد، می‌تواند بخشی از یک عملیات روانی بزرگ‌تر برای اثرگذاری بر جامعه ایران باشد.

واقعیت آن است واشنگتن پس از تجربه جنگ، به‌خوبی می‌داند فشـار صرفا نظامی برای تغییـر رفتار ایران کافی نبوده اسـت. بنابراین طبیعی است در مرحله بعد، تلاش کند فشـار اقتصادی را به نقطـه‌ای برای ایجاد نارضایتی، بی‌ثباتی و شکاف اجتماعی تبدیل کند. در چنین سناریویی، «تحریم» فقط یک ابزار اقتصادی نیست، بلکه یک عملیات روانی است که باید دائم از سوی رسانه‌ها تکرار شود: اقتصاد ایران در آستانه فروپاشی است، آمریکا همه راه‌ها را بسته، شرکای ایران عقب‌نشینی کرده‌اند و تهران ناگزیر به تسلیم خواهد شد.

از همین منظر، نحوه روایت رسانه‌های وابسته به کاخ سفید و متحدان منطقه‌ای آمریکا درباره سفر عاصم منیر به تهران نیز معنادار است. تلاش شد این سفر در قالب انتقال پیام تهدیدآمیز ترامپ به ایران روایت شود؛ گویی فرمانده ارتش پاکستان به تهران آمده تا هشدار واشنگتن را منتقل کند و ایران را در برابر یک اولتیماتوم جدید قرار دهد!

اما روایتی که روز گذشته به نقل از یک منبع نزدیک به تیم مذاکره‌کننده ایران منتشر شد، تصویر متفاوتی ارائه می‌کند. این منبع به تسنیم گفت: بر خلاف روایت برخی رسانه‌ها، عاصم منیر حامل پیام تهدید یا پیام مشابهی از سوی آمریکا نبوده و هدف سفر او باز کردن فضای مذاکرات است. به گفته این منبع، در دیدارهای انجام‌شده، مواضع ایران به شـکل شـفاف برای طرف پاکستانی تشریح و از جمله تأکید شد بازگشت آمریکا به تفاهمنامه اسلام‌آباد و اجرای مفاد آن، از جمله بند ۵ مربوط به ترتیبات ایران درباره تنگه هرمز، جزو شروط تهران است.

### [ توافق برای ایجاد کریدور موقت ]

**همزمان با پایان سفر وزیر خارجه عمان به تهران، وزارتخانه‌های خارجه ۲ کشور دیروز بیانیه مشترک مطبوعاتی صادر کردند. متن این بیانیه به شرح زیر است:**

**جناب آقای «سید بدر بن حمد بن حمود البوسعیدی» وزیر خارجه عمان، در یک سفر کاری به جمهوری اسلامی ایران با همتای ایرانی خود، جناب آقای دکتر «سیدعباس عراقچی» رایزنی‌های سازنده‌ای انجام داد.**

**این رایزنی‌ها بر اهمیتی که ۲ کشـور برای از سـرگیری دریانوردی ایمن از طریق تنگه هرمز، با حفظ حاکمیت و حقوق حاکمیتی خود، قائل هستند، متمرکز بود.**

**۲ وزیر با توجه به وضعیت کنونی تنگه که ناشی از جنگ اخیر و پیامدهای فاجعه‌بار آن است، چارچوبی مرحله‌بندی‌شده را مورد بحث قرار دادند که می‌تواند مبنایی عملی و قابل اجرا برای پیشبرد امور فراهم کند.**

**چارچوب پیشـنهادی شـامل ایجاد یک کریدور دریانوردی موقت مشـترک از طریق تنگه هرمز و توافقی برای اجرای یک پروژه مشـترک به منظور پاکسـازی هرمز از مین است. مذاکرات فنی میان ۲ طرف با هدف توافق بر سر یک کریدور دریانوردی دائم و اداره آینده تنگه، همچنین سازوکاری برای تبادل اطلاعات، مدیریت ترافیک و ارائه خدمات دریانوردی و امنیتی مربوط ادامه خواهد یافت.**

**در این راستا، ۲ طرف بر اهمیت برگزاری گفت‌وگوهای مشترک با کشورهای منطقه هم‌مرز با آب‌های خلیج فارس تأکید کردند. آنها همچنین بر لزوم رعایت حقوق بین‌الملل قابل اعمال و احترام به حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی تأکید ورزیدند.**

خبرنگار سابق گاردین اعتراف کرد مصاحبه‌اش با سکینه محمدی در سال ۲۰۱۰ از اساس دروغ بود

# جعل انگلیسی

سعید کمالی‌دهقان، خبرنگار سابق روزنامه انگلیسی گاردین در اظهار نظری قابل توجه اعتراف کرد گزارش این روزنامه در سال ۲۰۱۰ درباره پرونده سکینه محمدی‌آشتیانی، از اساس ساختگی و جعلی بود. این اعتراف در قالب یک استوری اینستاگرامی منتشر شد و توجه بسیاری را به خود جلب کرد، چرا که نویسنده همان گزارش اکنون صراحتا می‌گوید آنچه با عنوان مصاحبه اختصاصی به مخاطبان ارائه شـده بود، هرگز رخ نداده و تمام آن مطلب از سوی او ساخته شده بود!

کمالی‌دهقان در استوری خود نوشت: «می‌خواهم درباره یک گزارش صفحه اول که برای گاردین نوشـتم و ۷ آگوست ۲۰۱۰ منتشـر شـد، شفاف‌سـازی کنم. آن مطلب به عنوان مصاحبه اختصاصی با سـکینه آشتیانی معرفی شده بود اما آن مصاحبه هرگز انجام نشـد. کل موضوع را جعل کرده بودم و این داستان کاملا کذب و نادرست بوده و مسؤولیت کامل آن را می‌پذیرم».

کمالی‌دهقان از خوانندگان و مردم ایران عذرخواهی کرد و افزود: دروغ‌ها به‌ویژه آنهایی که به‌صورت عمومی بیان می‌شود، می‌تواند پیامدهای گسترده و غیرقابل کنترلی داشته باشد. او تأکید کرد این اعتراف را با اراده آزاد خود بیان می‌کند، زیرا دیگر نمی‌تواند در برابر انتشار داستان‌های گمراه‌کننده و نادرست درباره ایران سکوت کند.

سکینه محمدی‌آشتیانی زنی بود که دهه ۸۰ خورشیدی به اتهام قتل همسرش با مشارکت پسرعمه همسرش، همچنین روابط نامشروع با او دستگیر و مجرم شناخته شد. پرونده او در قوه قضائیه رسیدگی و مجازات مرتبط با معاونت در قتل برای او صادر شد. پس از سال‌ها طی مراحل قضایی و گذراندن دوره محکومیت، او در نهایت آزاد شد. این پرونده در اصل یک پرونده جنایی بود که بر اساس اتهامات مشخص قتل و روابط نامشروع شکل گرفته بود و در چارچوب قوانین جاری کشور به آن رسیدگی شد.

بـا این حال، همین پرونده به بهانه‌ای برای رسـانه‌های غرب تبدیل شـد تا با اتهام‌زنی به ایران، جمهوری اسلامی را متهم به خشونت علیه زنان کنند. پوشش گسترده رسانه‌ای در آن سال‌ها عمدتا بر تصویرسازی از ایران به عنوان کشوری متمرکز بود که زنان را به طور سیستماتیک تحت ظلم و خشونت قرار می‌دهد و احکام خشن و غیرمدرن را اجرا می‌کند. فضای رسانه‌ای غرب در آن مقطع به گونه‌ای شکل گرفت که جزئیات حقوقی و زمینه‌های داخلی پرونده در سایه قرار گرفت و روایت غالب، روایت تقابل تمدنی و اتهام خشونت ساختاری علیه زنان ایرانی شد.

در همین رابطه، روزنامه انگلیسی گاردین در گزارش‌های خود به قلم سعید کمالی‌دهقان پرچمدار عملیات و هجمه علیه ایران بود. گاردین با انتشار مطالب متعدد درباره این پرونده، نقش محوری در شکل‌دهی به افکار عمومی بین‌المللی ایفا کرد و با عنوان‌هایی که بر سنگسـار و وضعیت زنان تأکید داشـت، موجی از توجه و فشـار رسانه‌ای ایجاد کرد. کمالی‌دهقان به عنوان خبرنگار حوزه ایران این روزنامه، در مرکز این پوشش قرار داشت و گزارش‌های او به عنوان منابع اصلی بسیاری از بازنشرها و تحلیل‌های بعد مورد استناد قرار می‌گرفت.

اتفاقا در همان گزارش جعلی که کمالی‌دهقان خود به آن اشاره کرده، گاردین به نقل از محمدی‌آشتیانی تلاش کرد از ایران چهره‌ای ضدزن و خشن علیه زنان بسازد. در آن مطلب که به عنوان مصاحبه اختصاصی معرفی شده بود، نقل قول‌هایی منسوب به او منتشر شد که در آنها مقامات ایران متهم به دروغگویی، تلاش برای اعدام مخفیانه و برخورد تبعیض‌آمیز با زنان شدند. فضای کلی گزارش به گونه‌ای تنظیم شده بود که ایران را به عنوان کشوری نشان دهد که زنان در آن از حقوق اولیه محرومند و احکام سنگین صرفا به دلیل جنسیت آنها اجرا می‌شود.

اساسا ایجاد هجمه‌های رسانه‌ای علیه ایران توسط رسانه‌های غرب مسـبوق به سابقه است و عمدتا جعلی و بی‌اساس است. اگر گـزارش مورد بحث گاردین را نمونه قرار دهیم، باید گفت این نوک کوه یخ است. تجربه این پرونده نشان می‌دهد چگونه یک روایت رسانه‌ای می‌تواند بر پایه مطالبی شکل بگیرد که بعدا توسط خود نویسندگان آنها به عنوان ساختگی معرفی می‌شود اما در زمان خود به عنوان واقعیت مسلم در سطح بین‌المللی بازتاب می‌یابد. این الگو در موارد متعدد دیگری نیز دیده شده که در آنها روایت‌های منفی درباره ایران منتشر می‌شود و سپس در صورت آشکار شدن نادرستی آنها، اصلاحات یا عذرخواهی‌ها معمولا به اندازه انتشـار اولیه بازتاب نمی‌یابد. نمونه عینی این موضوع را می‌توان در دروغ‌سازی‌های رسانه‌های ضدایرانی در ماجرای مرگ مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱ مشاهده کرد. دروغ‌پردازی‌هایی که با ایفای نقش ۲ خبرنگار اصلاح‌طلب آغاز شـد و در ادامه با میدان‌داری رسانه‌هایی مثل اینترنشنال، منوتو، بی‌بی‌سی و صدای آمریکا پرورش یافت. دروغ‌پردازی‌های موجود در ارتباط با مرگ نیکا شاکرمی یا سال‌ها قبل‌تر درباره ندا آقاسلطان را نیز باید به این موارد اضافه کرد.